

تحلیلی بر قابلیت اعمال حقوق بین‌الملل بر اعمال داعش

احسان زرننگار*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۱۱

نوع مقاله: پژوهشی - نوآورانه

چکیده

در سال‌های اخیر جامعه بین‌المللی شاهد ظهور گروه تروریستی موسوم به داعش یا «دولت اسلامی عراق و شام» و وحشت‌آفرینی آن در نقاط مختلف جهان به‌خصوص خاورمیانه بوده است که با اقدامات خشونت‌آمیز خود صلح و امنیت بین‌المللی را به شدت به مخاطره افکنده است. اقدامات تروریستی و جرائم بین‌المللی داعش، بررسی قابلیت اعمال حقوق بین‌الملل بر این قبیل بازیگران غیر دولتی را ایجاب می‌نماید. همچنین علی‌رغم اقدامات مختلف صورت گرفته به منظور مبارزه با داعش، تاکنون تعقیب، محاکمه و مجازات اعضای این گروه تروریستی محقق نشده است. این مقاله با بررسی حوزه‌های اصلی حقوق بین‌الملل و برخی موانع حقوقی و سیاسی نتیجه می‌گیرد که حقوق بین‌الملل موجود به نحو مطلوب به مقابله با فعالیت‌های داعش نمی‌پردازد و ناکامی جامعه بین‌المللی در اجرای عدالت کیفری نسبت به اعضا و رهبران داعش مؤید آن است که ایجاد یک سازوکار بین‌المللی جدید و همکاری بیشتر دولت‌ها ضرورت دارد.

واژگان کلیدی: داعش، حقوق بین‌الملل، تروریسم، جرائم بین‌المللی، تعقیب و محاکمه.

* کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه شیراز.

مقدمه

بدون شک یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های جامعه بین‌المللی در عصر حاضر گسترش روزافزون خطر تروریسم در ابعاد جهانی است. پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و حمله نظامی ایالات متحده آمریکا به افغانستان و عراق که خود به تشدید بحران‌ها در خاورمیانه دامن زد، زمینه شکل‌گیری و رویش گروه‌های تروریستی جدید ایجاد گردید. آغاز جنگ داخلی سوریه در سال ۲۰۱۱ بستر مناسبی را برای جولان گروه‌های سلفی جهادی فراهم ساخت. «دولت اسلامی عراق و شام» یا داعش یکی از این گروه‌های افراط‌گرا است که با بهره‌گیری کامل از فرصت به وجود آمده خود را به عنوان بازیگر نقش اول نمایش تروریسم معرفی نمود. داعش پس از تصرف شهر رقه سوریه در ژانویه ۲۰۱۴ دامنه فعالیت خود را گسترش داد و موفق شد در ژوئن ۲۰۱۴ موصل مرکز استان نینوا و دومین شهر بزرگ عراق را نیز فتح کند. متعاقب این فتوحات ابوبکر البغدادی رهبر این گروه با خلیفه خواندن خود، تأسیس خلافت خودخوانده داعش را اعلام نمود و در راستای اجرای این سیاست خیالی، نام سازمان تروریستی خود را به «دولت اسلامی» تغییر داد تا قلمروی خلافت ادعایی‌اش دیگر به سرزمین خاصی محدود نباشد. با تصرف مناطق بیشتر، دستیابی به مراکز نفتی و انبارهای تسلیحات نظامی، داعش توانست به سرعت به وسعت قلمرو و میزان قدرت خود بیفزاید به نحوی که در مدت زمان محدودی مناطق وسیعی از خاک سوریه و عراق به کنترل نیروهای داعش درآمد.

داعش یک گروه تروریستی است که از زمان قدرت‌گیری‌اش در سال ۲۰۱۴ با انجام اقدامات خشونت‌بار و ارتکاب جنایات دهشتناک در مناطق تحت تصرف خود، حکومت وحشت و ترور را به وجود آورده است. علاوه بر این، داعش در کشورهای دیگر نیز با انجام حملات تروریستی متعدد جان بسیاری از غیر نظامیان را گرفته است. پر واضح است که این قبیل اقدامات تروریستی داعش در سوریه و عراق و یا هر جای دیگر ناقض بسیاری از قواعد حقوق بین‌الملل است. همچنین کشتار انسان‌های بی‌گناه و خسارت‌های مادی و معنوی ناشی از جرائم متعدد داعش، مسئله اجرای عدالت کیفری نسبت به آمرین و عاملین جنایات مزبور را در صدر توجهات بین‌المللی قرار داده است. بر این اساس در نوشتار حاضر پس از تبیین تاریخچه و ماهیت داعش، نخست به بررسی قواعد قابل اعمال حقوق بین‌الملل در رابطه با اقدامات داعش خواهیم پرداخت و در ادامه راهکارهای بین‌المللی و داخلی برای تعقیب، محاکمه و مجازات اعضا و رهبران داعش و چالش‌های موجود در این راه را مورد مذاقه و بررسی قرار خواهیم داد.

۱. تاریخچه و ماهیت داعش

گروه تروریستی داعش به عنوان یکی از مهم‌ترین تهدیدهای موجود علیه صلح و امنیت بین‌المللی در عصر حاضر شناخته می‌شود. داعش که یک سازمان تروریستی سلفی تکفیری است در سال ۲۰۰۴ به عنوان یک گروه وابسته به القاعده در عراق پدید آمد. مبدأ شکل‌گیری آن به اوایل قرن حاضر برمی‌گردد، زمانی که فردی به نام ابومصعب الزرقاوی شروع به سازماندهی و آموزش پیکارجویان افراطی نمود. این گروه که در جریان اشغال عراق توسط آمریکا، از بازیگران اصلی شورش‌های این کشور محسوب می‌شد ابتدا تحت عنوان «جماعت توحید و جهاد» و سپس بعد از اعلام بیعت با القاعده، به «القاعده عراق» تغییر نام داد. این گروه در پی افزایش فشارهای ایالات متحده و نیروهای عراقی و مواجهه با واکنش شدید جامعه عراق تضعیف شد و این وضعیت تا سال ۲۰۱۱ ادامه داشت، اما در این سال از طریق نقش‌آفرینی در جنگ داخلی سوریه شروع به رشد نمود^۱ و در سال ۲۰۱۳ نام خود را به دولت اسلامی عراق و شام تغییر داد (مک میلان، ۱۳۹۷، ص ۳۶).

وضعیت بحرانی سوریه فرصت مناسبی برای داعش فراهم ساخت که به اشغال سرزمین و گسترش قلمرو، عضوگیری و تشدید ترس و وحشت از طریق اقدامات خشونت‌آمیز و ددمنشانه خود بپردازد. در فوریه ۲۰۱۴ متعاقب بروز اختلاف و درگیری بین داعش و جبهه النصره (شاخه القاعده در سوریه)، القاعده رسماً روابط خود را با داعش قطع نمود. با این وجود داعش مستقل از القاعده و با موفقیت‌های چشمگیر به کار خود ادامه داد (Edwards, 2017, p. 2). از سال ۲۰۱۴ داعش خود را به عنوان یک سازمان تروریستی با منابع مالی و نظامی و متصرفات قابل توجه معرفی نموده است. به دنبال هرج و مرج ناشی از جنگ داخلی سوریه و بی‌ثباتی در عراق، داعش به طیف وسیعی از تسلیحات نظامی که توسط نیروهای دولتی رها شده و یا از انبارهای نظامی غارت شده بودند دست پیدا کرد. این گروه علاوه بر سلاح‌های متعدد، موفق به جذب ده‌ها هزار نیروی جنگی نیز شده است. گزارش دبیر کل سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۶ نشان می‌دهد که حدود ۳۰ هزار پیکارجوی داعشی در عراق و سوریه حضور دارند که به نظر می‌رسد اکثر آنها اتباع کشورهای خاورمیانه و اروپا هستند (Report of the UN Secretary-General, 2016, p. 5).

۱. با آغاز جنگ داخلی سوریه در سال ۲۰۱۱ به فتوای ایمن الظواهری رهبر القاعده، تمامی نیروهای القاعده روانه سوریه شدند.

داعش اعضای افراط‌گرای جدید خود را با استفاده از رسانه‌های جمعی و دیگر روش‌های انتشار و تبلیغ عقاید خود جذب کرده است. همچنین شبکه اعضا و منابع داعش به وسیله دیگر گروه‌های تروریستی که با داعش بیعت کرده‌اند (از جمله بوکوحرام^۱ در نیجریه و ابوسیاف^۲ در فیلیپین) گسترش یافته است. اگرچه که در مورد ساختار داعش اطلاعات اندکی وجود دارد، مع‌هذا شواهد بیانگر آن است که این گروه به خوبی سازماندهی شده است. اسنادی که از محل سکونت حاجی بکر^۳ عضو ارشد القاعده (که در سال ۲۰۱۴ کشته شد) کشف شده نشان‌دهنده ساختار سلسله‌مراتبی و فرماندهی دقیق این سازمان تروریستی است (Reuter, 2015, p. 5). پیچیدگی حملات تروریستی انجام شده توسط داعش نیز خود مؤید ساختارهای هماهنگ و برنامه‌ریزی منسجم آن است. شایان ذکر است که از سال ۲۰۱۴ تا اوایل سال ۲۰۱۶ داعش مسئولیت بیش از ۹۰ حمله تروریستی در بیش از ۲۰ کشور را بر عهده گرفته است (Edwards, 2017, p. 3).

طی سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ داعش مناطق استراتژیکی از قلمروی سوریه و عراق را به تصرف خود درآورد. برآوردها حاکی از آن است که در سال ۲۰۱۴ داعش حدود ۳۰ درصد از خاک این دو کشور را تحت کنترل خود داشته است (Koutroulis, 2016, p. 830). با این حال مقاومت نیروهای نظامی و شبه نظامی داخلی و حمایت برخی کشورها از جمله ایران منجر به شکست و عقب‌نشینی داعش در بسیاری از جبهه‌ها شده و در نتیجه کنترل داعش بر مناطق مزبور به طور چشمگیری کاهش یافته است. علاوه بر سوریه و عراق، داعش مناطقی از ولایت ننگرهار^۴ افغانستان در نزدیکی مرز پاکستان و همچنین مناطقی از لیبی و مصر را نیز تحت سیطره خود درآورده است. تصرف برخی مناطق سوریه و عراق امکان انباشت منابع مالی هنگفتی را برای داعش فراهم نموده است. به عنوان مثال درآمد سالانه این گروه در سال ۲۰۱۶، ۲ میلیارد دلار تخمین زده شده که از راه‌هایی چون تجارت غیر قانونی نفت خام، سلاح‌های سبک و آثار باستانی غارت شده، قاچاق مواد مخدر، دریافت فدیة در ازای آزادی گروگان‌ها، دریافت مالیات از مردم منطقه، مصادره دارایی بانک‌ها، قاچاق انسان و برده‌فروشی تأمین گردیده است (Report of the

1. Boko Haram.
2. Abu Sayyaf.
3. Haji Bakr.
4. Nangarhar.

UN Secretary-General, 2016, p. 3). نکته حائز اهمیت این است که علاوه بر سرزمین‌های تصرف شده، مردم بومی این مناطق نیز تحت سیطره داعش قرار دارند. داعش در مناطق تحت کنترل خود قوانین اسلامی و سیستم قضایی خاص خود را ایجاد کرده است. محاکم علاوه بر احکام شریعت، قوانین ساخته داعش را نیز اعمال می‌کنند. همچنین داعش دو نیروی پلیس (از جمله الحسبه یا پلیس مذهبی) تشکیل داده است. شواهد مبین آن است که داعش از هیچ یک از اصول بنیادین حاکمیت قانون نظیر استقلال قوه قضاییه و یا ممنوعیت بازداشت خودسرانه تبعیت نمی‌کند. به عنوان مثال، برخی از قضات پس از ابراز مخالفت با اعمال خشونت‌آمیز داعش از مقام خود عزل شده و یا حتی ناپدید شده‌اند.^۱ بنابراین، اقدامات داعش آمیخته‌ای از عملکردهای دولتی و غیر دولتی را به نمایش می‌گذارد که این مسئله چالش‌هایی را برای اعمال قواعد حقوق بین‌الملل بر اعمال داعش ایجاد می‌کند.

همان‌طور که از نام داعش (دولت اسلامی عراق و شام یا دولت اسلامی) برمی‌آید، این گروه خود را دولت پنداشته و در چنین مقامی معرفی می‌کند. بی‌تردید تنها در صورتی می‌توان داعش را بازیگری دولتی قلمداد نمود که با عناصر سازنده دولت در اسناد و رویه بین‌المللی^۲ سازگاری داشته باشد و در غیر این صورت حقوق و تعهدات داعش در حقوق بین‌الملل همانند یک بازیگر غیر دولتی خواهد بود. با بررسی عناصر شاکیه دولت مشخص می‌گردد که داعش فاقد برخی معیارهای ضروری برای تشکیل دولت مطابق با موازین حقوق بین‌الملل بوده و صرفاً یک نهاد یا بازیگر غیر دولتی و به عبارت بهتر یک گروه تروریستی محسوب می‌شود (زمانی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۹). در عمل نیز جامعه جهانی بر تروریستی بودن ماهیت داعش و عدم شناسایی آن به عنوان یک دولت اتفاق نظر داشته است.

۱. برای مطالعه بیشتر در خصوص نحوه حکمرانی داعش در مناطق تحت کنترلش به منبع زیر رجوع نمایید:

Report of the Independent International Commission of Inquiry on the Syrian Arab Republic, "Rule of Terror: Living under ISIS in Syria", 14 November 2014, paras: 13-31, available at: https://www.globalsecurity.org/military/library/report/2014/hrc_crp_isisS_20141114.pdf.

۲. کنوانسیون مونته ویدئو ۱۹۴۳ درباره حقوق و وظایف دولت‌ها که بیانگر قواعد حقوق بین‌الملل عرفی است در ماده ۱ خود شرایط تشکیل یک دولت را بیان می‌کند. طبق این ماده دولت به عنوان شخص حقوق بین‌الملل باید دارای ویژگی‌های ذیل باشد: الف) جمعیت دائمی؛ ب) سرزمین معین؛ ج) حکومت (کارگزار سیاسی دولت)؛ و د) صلاحیت ایجاد روابط بین‌المللی با سایر دولت‌ها (حاکمیت یا استقلال عمل). این ماده در رویه بین‌المللی و آراء قضایی نیز مورد پذیرش عام قرار گرفته و به یک قاعده حقوق بین‌الملل عرفی تبدیل شده است.

۲. داعش و حقوق بین‌الملل

جنایات ارتكابی داعش طیف وسیعی از قواعد مسلم حقوق بین‌الملل را زیر پا گذاشته است. ارتكاب گسترده اعمالی چون کشتار غیر نظامیان، عملیات انتحاری و تروریسم، توسل به زور و نقض تمامیت ارضی و حاکمیت سیاسی دولت‌های قانونی عراق و سوریه، نقض حقوق اقلیت‌های قومی و مذهبی، تخریب آثار فرهنگی و باستانی و ... نمونه‌هایی از این موارد است. از طرف دیگر با عنایت به ماهیت داعش به عنوان یک بازیگر غیر دولتی باید دید که آیا قواعد حقوق بین‌الملل نسبت به آن قابلیت اعمال دارد. در این قسمت حوزه‌های مختلف حقوق بین‌الملل برای درک اینکه چه میزان از قواعد آن بر اقدامات داعش قابل اعمال است مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱-۲. ممنوعیت تروریسم به موجب حقوق بین‌الملل

طبق قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه، حقوق بین‌الملل کیفری، حقوق بین‌الملل بشر و همچنین حقوق بین‌الملل عرفی، توسل به اقدامات تروریستی علیه غیر نظامیان مطلقاً ممنوع است.^۱ علی‌رغم تلاش‌های صورت گرفته از دهه ۱۹۳۰ میلادی، جامعه بین‌المللی از ارائه تعریفی جامع و جهانی از «تروریسم» ناتوان بوده است. با این حال کنوانسیون‌ها و معاهدات متعدد مرتبط با مسئله تروریسم^۲ و چندین قطعنامه صادره از سوی مجمع عمومی^۳ و شورای امنیت^۴ سازمان ملل با توصیف اقدامات موجد تروریسم به تبیین ماهیت و برخی مصادیق آن کمک می‌کند. تمامی این اسناد بین‌المللی کاربرد خشونت علیه جمعیت غیر نظامی با قصد ایجاد رعب و وحشت (تروریسم) را منع نموده است.

۱. در این رابطه می‌توان به ماده ۳۳ کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹ و بند ۲ ماده ۵۱ پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ اشاره نمود که به صراحت هرگونه ارباب و توسل به تروریسم علیه افراد غیر نظامی را ممنوع اعلام می‌دارد.
 ۲. نخستین اقدام جدی بین‌المللی که در رابطه با مسئله تروریسم و تعریف آن صورت پذیرفت تصویب کنوانسیون ۱۹۳۷ ژنو درباره جلوگیری از تروریسم است، اما این کنوانسیون هرگز به مرحله اجرا درنیامد. از نیمه دوم قرن بیستم تا به امروز بیش از ۱۲ کنوانسیون بین‌المللی و ۷ معاهده منطقه‌ای در رابطه با تروریسم به تصویب رسیده است.
 ۳. مجمع عمومی سازمان ملل قطعنامه‌های متعددی در رابطه با تروریسم صادر نموده است که از آن جمله می‌توان به قطعنامه‌های ۴۰/۶۱ (۱۹۸۵)، ۴۹/۶۰ (۱۹۹۵)، ۵۶/۱ (۲۰۰۱)، ۶۷/۹۹ (۲۰۱۲)، ۶۸/۱۱۹ (۲۰۱۳) و ۶۹/۳۹ (۲۰۱۴) اشاره کرد.
 ۴. شورای امنیت سازمان ملل نیز با تصویب قطعنامه‌های ۷۴۸ (۱۹۹۲) پس از قضیه لاکربی، ۱۲۶۹ (۱۹۹۹)، ۱۳۶۸ و ۱۳۷۳ (۲۰۰۱) پس از حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر و قطعنامه‌های متعددی که اخیراً علیه داعش صادر نموده، بارها مسئله تروریسم و اقدامات تروریستی را به عنوان تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی مورد توجه و تأکید قرار داده است.

در رابطه با اقدامات تروریستی داعش، تصمیمات اتخاذی از جانب شورای امنیت سازمان ملل به عنوان مسئول اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی^۱ از اهمیت مضاعفی برخوردار است. در همین خصوص شایان ذکر است که در فاصله زمانی بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۰، در ۵۸ قطعنامه صادره از سوی شورای امنیت به گروه تروریستی داعش اشاره شده و در ۱۹ مورد از این قطعنامه‌ها^۲ به طور خاص به جنایات ارتكابی داعش در عراق و سوریه، خطرات آن برای صلح و امنیت بین‌المللی و تروریستی شناختن اقدامات داعش تصریح شده است.

۲-۲. اعمال قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بین‌الملل بشر بر اقدامات داعش

داعش با نحوه عملکرد خود در سوریه و عراق و انجام حملات تروریستی متعدد در سایر کشورها بسیاری از قواعد حقوق بین‌الملل را نقض نموده است. این گروه تروریستی به عنوان یک بازیگر غیر دولتی درگیر در مخاصمات جاری در سوریه و عراق، مغایر با الزامات حقوق بین‌الملل بشردوستانه عمل کرده است. ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ بیانگر حداقل قواعدی است که در جریان مخاصمات مسلحانه باید رعایت گردد، از جمله حمایت از غیر نظامیان، معالجه مجروحان و بیماران، رفتار انسانی با اسرا و محاکمه عادلانه. با قاطعیت می‌توان گفت داعش هیچ‌گاه در محدوده رعایت این مقررات گام برنداشته است. رفتارهای خشونت‌آمیز و غیر انسانی داعش با غیر نظامیان و اسرای خود در فیلم‌ها و تصاویر تبلیغاتی‌اش گویای این واقعیت است. علاوه بر این داعش قواعد مربوط به منع گروگان‌گیری، حفاظت از اموال فرهنگی و ممنوعیت به‌کارگیری افراد زیر ۱۸ سال در نیروهای مسلح را زیر پا گذاشته است (Edwards, 2017, p. 5).

حقوق در جنگ^۳ یا حقوق بین‌الملل بشردوستانه بخشی از حقوق بین‌الملل است که نحوه رفتار در مخاصمات مسلحانه را تنظیم می‌کند. مهم‌ترین اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه که در جریان هر مخاصمه‌ای لازم‌الرعایه است عبارتند از: اصل ضرورت^۴

۱. بند ۱ ماده ۲۴ منشور سازمان ملل متحد.

۲. قطعنامه‌های ۲۱۶۹ (۳۰ جولای ۲۰۱۴)، ۲۱۷۰ (۱۵ اگوست ۲۰۱۴)، ۲۱۹۹ (۱۲ فوریه ۲۰۱۵)، ۲۲۴۴ (۲۷ مارس ۲۰۱۵)، ۲۲۳۳ (۲۹ جولای ۲۰۱۵)، ۲۲۴۹ (۲۰ نوامبر ۲۰۱۵)، ۲۲۵۳ (۱۷ دسامبر ۲۰۱۵)، ۲۲۵۹ (۲۳ دسامبر ۲۰۱۵)، ۲۲۹۲ (۱۴ ژوئن ۲۰۱۶)، ۲۲۹۹ (۲۵ جولای ۲۰۱۶)، ۲۳۴۷ (۲۴ مارس ۲۰۱۷)، ۲۳۶۷ (۱۴ جولای ۲۰۱۷)، ۲۳۶۸ (۲۰ جولای ۲۰۱۷)، ۲۳۷۰ (۲ اگوست ۲۰۱۷)، ۲۳۷۹ (۲۱ سپتامبر ۲۰۱۷)، ۲۳۹۶ (۲۱ دسامبر ۲۰۱۷)، ۲۴۰۵ (۸ مارس ۲۰۱۸)، ۲۴۴۹ (۱۳ دسامبر ۲۰۱۸) و ۲۴۹۰ (۲۰ سپتامبر ۲۰۱۹).

3. Jus in Bello.

4. Necessity Principle.

اصل تفکیک^۱ (میان نظامیان و غیر نظامیان)، اصل تناسب^۲، اصل احتیاط در حمله^۳ و نیز اصل لزوم رفتار انسانی یا اجتناب از ایراد درد و رنج غیر ضروری^۴ (طلائی و زرنگار، ۱۳۹۶، ص ۵۶). در این زمینه نیز رویه داعش مؤید نقض مکرر اصول مزبور بوده است. علاوه بر حقوق بین‌الملل بشردوستانه، داعش بسیاری از قواعد حقوق بین‌الملل بشر را نیز نقض نموده است، علی‌الخصوص حق حیات به عنوان مهم‌ترین حق بشری. لازم به ذکر است که قابلیت اعمال قواعد حقوق بین‌الملل بشر بر اقدامات بازیگران غیر دولتی همچنان محل مناقشه است به این دلیل که معمولاً قواعد حقوق بشر به تعهدات یک دولت نسبت به شهروندانش ارتباط پیدا می‌کند. با این حال برخی از حقوقدانان بر این عقیده‌اند که قواعد حقوق بین‌الملل بشر در رابطه با گروه‌های مسلحی که به قدرت دفاکتو^۵ یا عملی دست یافته و عملکردی شبیه دولت‌ها دارند نیز قابل اعمال است (Bellal, 2016, p. 135). داعش با ایجاد محاکم و سیستم قضایی، نیروهای پلیس و نظام مالیاتی خاص خود در مناطق تحت کنترلش، اختیارات و قدرت دفاکتو یا عملی خود را به نمایش گذاشته است. بنابراین بسیاری از اعمال ارتكابی داعش را باید ناقض حقوق بین‌الملل بشر دانست که از جمله آنها می‌توان به برده‌سازی جنسی زنان و دختران جوان، نقض حقوق اقلیت‌های قومی و مذهبی، بازداشت‌های خودسرانه، شکنجه و اعدام‌های گسترده اشاره نمود.^۶

شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در بیانیه اجلاس فوریه سال ۲۰۱۶ خود اشعار می‌دارد: «ماده ۳ مشترک کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو و سایر حقوق عرفی قابل اجرا در مخاصمات مسلحانه، قتل، شکنجه و اعدام بدون طی کردن مراحل قانونی را ممنوع کرده است. این تعهدات برای تمامی "بازیگران غیر دولتی" مسلح و نیروهای دولتی الزام‌آور است.» علاوه بر این، گروه‌های مسلح غیر دولتی و اتباع دولت‌های خارجی شرکت‌کننده در مخاصمات، ملزم به رعایت تعهداتی از قبیل تضمین و رعایت حقوق

1. Discrimination or Distinction Principle.

2. Proportionality Principle.

3. Precaution in Attack Principle.

4. Principle of Humanity or Unnecessary Suffering.

5. de facto.

۶. شورای امنیت سازمان ملل نیز در قطعنامه ۲۱۷۰ مصوب ۱۵ آگوست ۲۰۱۴ بر نقض گسترده و سازمان یافته حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه توسط گروه تروریستی داعش در قلمرو سرزمینی عراق و سوریه تأکید نموده است (بند ۱ و ۳ قطعنامه).

بشر در مناطق مورد فعالیتشان هستند. شعبه استیناف دادگاه ویژه سیرائون نیز در سال ۲۰۰۴ بیان داشت: «حتی در صورتی که تنها دولت‌ها طرف معاهدات بین‌المللی باشند، تمامی طرف‌های مخاصمات مسلحانه، اعم از دولتی و غیر دولتی، ملزم به رعایت حقوق بشردوستانه بین‌المللی هستند.» (مجبی و شفیعی، ۱۳۹۷، صص ۹۶-۹۷).

نکته‌ای که باید ملحوظ نظر قرار داد این است که حقوق و تعهدات ایجاد شده به موجب حقوق بین‌الملل به کاربرد متناسب مفاهیم حقوقی بستگی دارد. به عنوان مثال، در حقوق بین‌الملل بشردوستانه تعیین دقیق «نوع مخاصمه و افراد درگیر در آن» امری ضروری است. تفکیک مخاصمه مسلحانه بین‌المللی از مخاصمه مسلحانه داخلی یا غیر بین‌المللی، بیش از سرزمینی که مخاصمه در آن رخ می‌دهد به ماهیت بازیگران درگیر در آن (دولتی یا غیر دولتی) بستگی دارد (Scharf, 2016, p. 52). بر این اساس مخاصماتی که در عراق و سوریه جریان دارد باید مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی قلمداد گردد؛ زیرا داعش یک بازیگر غیر دولتی است. همچنین اگر حملات تروریستی داعش در دیگر کشورها به مثابه یک مخاصمه مسلحانه شناخته شود باز هم باید آن را یک مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی بین دولت و یک بازیگر غیر دولتی در نظر گرفت. اما از منظر یک مدافع حقوق بشر، تفسیر قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه به حملات تروریستی صورت گرفته در یک کشور خارجی همچون فرانسه یا بریتانیا خالی از اشکال نخواهد بود، چه اینکه در چنین وضعیتی استفاده از نیروی مرگبار^۱ دیگر آخرین راه چاره نیست. در واقع در بحث عملیات «اجرای قانون» (مانند عملیات پلیس)، باید قبل از استفاده از نیروی مرگبار هشدارهای لازم داده شود، در حالی که در عملیات‌های جنگی این امر ضروری نیست و استفاده از بمب‌ها و موشک‌ها و سایر تسلیحات نظامی بدون هشدار قبلی قانونی است.^۲

علاوه بر موارد فوق‌الذکر، تعیین وضعیت حقوقی افراد طبق حقوق بین‌الملل بشردوستانه نیز مشکلاتی را به همراه دارد. در مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی، تمیز

1. Lethal Force.

۲. این امر پیامدهای حقوقی منفی دیگری نیز به دنبال دارد. به عنوان مثال اگر تروریست‌ها پرسنل نظامی فرانسه را گروگان بگیرند، مطابق ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو «اسیر جنگی» محسوب می‌شوند. اگرچه وضعیت اسیر جنگی رفتار انسانی را ایجاب می‌کند (که قطعاً تروریست‌های داعش به آن وقعی نمی‌نهند)، این طبقه‌بندی به تروریست‌ها اجازه می‌دهد که به طور قانونی پرسنل نظامی فرانسه را تا پایان مخاصمات (که تشخیص آن در شرایط تروریستی دشوار است) در اسارت نگه دارند.

غیر نظامیان از کسانی که به طور مستقیم در مخاصمات شرکت می‌کنند امری حیاتی است، چه اینکه این امر بر مشروعیت رفتار دولت‌ها در هدف قرار دادن مشارکت‌کنندگان مستقیم در مخاصمات و امکان تعقیب کیفری آنها برای اعمال ارتكابی‌شان اثر می‌گذارد. طبق نظر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ،^۱ برای اینکه عملی «مشارکت مستقیم در مخاصمات»^۲ تلقی گردد باید سه معیار را تحقق بخشد: (۱) موجب ایراد صدمات احتمالی به قوای نظامی یا افراد حمایت شده طرف دیگر (مخاصمه شود؛^۳) یک رابطه سببیت مستقیم بین عمل مزبور و صدمات ناشی از آن وجود داشته باشد و (۳) هدف از انجام چنین عملی حمایت از یکی از طرفین مخاصمه با ایراد صدمه به طرف دیگر باشد. در واقع معیار قطعی برای عضویت فردی در یک گروه مسلح سازمان یافته این است که آیا آن فرد یک «نقش مبارزه‌ای مستمر»^۳ برای آن گروه در رابطه با مشارکت مستقیم خود در جنگ‌ها بر عهده می‌گیرد یا خیر (Melzer, 2009, p. 46).^۴

با این حال، رویه دولت‌ها تفسیر مشترکی از مفهوم مشارکت مستقیم در مخاصمات ارائه نمی‌دهد. در واقع آنچه که به عنوان عمل «خصمانه» شناخته می‌شود همچنان یک مسئله سیاسی بسیار بحث‌برانگیز است. به عنوان مثال، دیوان عالی رژیم اشغالگر قدس، در کمیته عمومی علیه شکنجه در قضیه اسرائیل اظهار داشت که مشارکت مستقیم در مخاصمه «صرفاً نباید به افراد مجری حملات فیزیکی محدود شود، بلکه کسانی که این افراد را به میدان فرستاده‌اند نیز مشارکت مستقیم داشته‌اند. این وضعیت در خصوص افرادی که تصمیم‌گیری و یا برنامه‌ریزی حملات را بر عهده دارند نیز صدق می‌کند.» (Bellal, 2016, p. 142). مع‌هذا به عقیده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ تنها اعمال مبارزان فعال را می‌توان مصداق «مشارکت مستقیم در مخاصمه» دانست و دیگر افراد دخیل در برنامه‌ریزی، تبلیغات و تأمین مالی تحت شمول این عنوان قرار نمی‌گیرند.

در خصوص غیر نظامیان نیز با وجود اینکه حقوق بین‌الملل بر این امر تصریح دارد

1. International Committee of the Red Cross (ICRC).

2. Direct Participation in Hostilities.

3. Continuous Combat Function.

۴. قاعده مشارکت مستقیم در مخاصمات در برخی از کنوانسیون‌ها نیز مورد تأکید قرار گرفته است. از جمله آنها می‌توان به بند ۳ ماده ۴۳ پروتکل الحاقی اول سال ۱۹۷۷ به کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو اشاره نمود.

که غیر نظامیان تنها برای زمانی که در مخاصمات مشارکت مستقیم داشته باشند وضعیت مورد حمایت خود را از دست می‌دهند،^۱ اما تعیین مدت زمان مشارکت آنها در مخاصمات دشوار است. به عنوان مثال، آیا غیر نظامیانی را که به داعش پیوسته بودند و اکنون از سوریه و عراق به کشورهای خود بازگشته‌اند طبق قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه هنوز هم می‌توان مورد هدف قرار داد؟ در پاسخ باید گفت: افرادی که مستقیماً و به طور خودسر، پراکنده و غیر سازمان یافته در جنگ‌ها شرکت می‌کنند، تنها زمانی می‌توان آنها را به طور قانونی مورد هدف قرار داد که در حین ارتکاب چنین اعمالی باشند؛ اگرچه که در زمان‌های دیگر می‌توان این افراد را توسط نهاد اجرای قانون (پلیس)، دستگیر کرده و طبق قوانین داخلی به خاطر جرائم ارتكابی‌شان مجازات نمود (طلائی و زرنگار، ۱۳۹۶، ص ۵۸).

۲-۳. اعمال قواعد حقوق بین‌الملل عرفی و حقوق بین‌الملل کیفری بر اقدامات داعش

عرف بین‌المللی یکی از منابع اصلی حقوق بین‌الملل است و اهمیت آن به حدی است که بسیاری از قواعد حقوق بین‌الملل از ماهیت و منشأ عرفی برخوردارند. همچنین می‌تواند خلأهای موجود در معاهدات در خصوص تروریسم بین‌المللی را برطرف سازد. داعش از قواعد حقوق بین‌الملل عرفی یا همان قواعد نانوشته ناشی از رویه عملی دولت‌ها نیز تخطی نموده است. با وجود اختلاف نظرها، حقوق بین‌الملل عرفی (یا دست کم قواعد آمره آن) بازیگران غیر دولتی همچون داعش را نیز ملزم به تبعیت می‌سازد، چه اینکه عدم اعمال قواعد مزبور به این قبیل گروه‌ها اجازه می‌دهد مرتکب جنایات و اقدامات غیر انسانی شوند بدون اینکه مسئولیتی متوجه آنها باشد. دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق در رأی خود علیه استانیسلاو گالیچ^۲ اظهار نمود: «ایجاد رعب و وحشت (تروریسم) نسبت به غیر نظامیان که در جریان یک مخاصمه مسلحانه ارتکاب یابد طبق حقوق بین‌الملل عرفی یک جنایت جنگی محسوب می‌شود.» (ICTY, 2006, pp. 87-93). همچنین دادگاه ویژه لبنان نیز در یکی از آراء خود اشعار داشت: تعریفی که از تروریسم در حقوق بین‌الملل عرفی وجود دارد متضمن سه عنصر اصلی است که عبارتند از: (۱) ارتکاب یک عمل مجرمانه (از قبیل قتل عمد،

۱. بند ۳ ماده ۵۱ پروتکل الحاقی اول سال ۱۹۷۷ به کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو اشعار می‌دارد: «غیر نظامیان باید از حمایت‌های مصرح در این بخش بهره‌مند شوند مگر آنکه مشارکت مستقیمی در مخاصمات داشته باشند.»
2. Stanislav Galić.

آدم‌ربایی، گروگان‌گیری، تحریق عمدی و غیره) یا تهدید به انجام چنین عملی؛ (۲) قصد ایجاد و گسترش رعب و وحشت در میان مردم و یا تأثیرگذاری بر تصمیمات مقامات ملی یا مراجع بین‌المللی به صورت مستقیم یا غیر مستقیم و (۳) وجود یک عنصر فراملی در عمل ارتكابی (STL, 2011, p. 85).

داعش نه تنها در سوریه و عراق بلکه مسئولیت حملات تروریستی متعددی علیه غیر نظامیان در کشورهای دیگری چون ترکیه، فرانسه، بریتانیا، بلژیک و ایران را نیز بر عهده گرفته است. بنابراین عملکرد داعش، تعریف فوق‌الذکر از تروریسم را عینیت بخشیده است. اگرچه اظهارنظر دادگاه ویژه لبنان در خصوص تعریف تروریسم انتقاداتی را به همراه داشته با این حال به نظر می‌رسد که قوانین داخلی ضد تروریسم برخی از کشورها رأی این دادگاه را مورد حمایت قرار داده‌اند (Cohen, 2012, p. 234). قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت سازمان ملل دولت‌ها را به تصویب چنین قوانینی ملزم ساخته و بر محکومیت کامل تروریسم توسط جامعه بین‌المللی تأکید می‌کند.

دیگر شاخه حقوق بین‌الملل که در رابطه با داعش از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد حقوق بین‌الملل کیفری است. بر اساس شواهد متقن موجود، داعش به کرات مرتکب نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی شده است. به عنوان مثال، گزارش کمیسیون بین‌المللی مستقل ملل متحد برای تحقیق در مورد سوریه که در سال ۲۰۱۶ منتشر شده اذعان می‌دارد که داعش به نسل‌کشی و همچنین جرائم علیه بشریت و جنایات جنگی متعدد علیه ایزدی‌ها مبادرت نموده است.^۱ حملات گسترده داعش علیه غیر نظامیان، اعدام‌های دسته‌جمعی، تجاوز و برده‌داری جنسی، شکنجه، قطع عضو، غارتگری، به‌کارگیری کودکان در مخاصمات مسلحانه و تخریب آثار و ابنیه تاریخی نیز از مصادیق جرائم جنگی داعش در عراق و سوریه است (Gucturk, 2015, p. 30). مضاف بر این، اعمال مزبور و اقداماتی از این دست خارج از شرایط مخاصمه مسلحانه، منجر به شکل‌گیری جنایات علیه بشریت توسط داعش شده است. با توجه به جنایات گسترده و توحش لجام‌گسیخته داعش که موجب کشتار انسان‌های بی‌گناه بسیاری در

۱. برای مطالعه بیشتر در مورد جنایات گسترده و اقدامات ددمنشانه داعش نسبت به اقلیت ایزدی‌های سوریه به منبع زیر رجوع نمایید:

Report of the Independent International Commission of Inquiry on the Syrian Arab Republic, "They Came to Destroy: ISIS Crimes against the Yazidis", UN Human Rights Council, 15 June 2016, paras: 32-97, available at: http://www.ohchr.org/Documents/HRBodies/HRCouncil/CoISyria/A_HRC_32_CRP.2_en.pdf.

کشورهای مختلف جهان و تداوم فضای رعب و وحشت شده، تعقیب و محاکمه آمران و عاملان این اقدامات به منظور تحقق عدالت کیفری واجد کمال اهمیت است. لذا نظر به اهمیت موضوع در قسمت بعد به طور مجزا به بررسی چگونگی تعقیب و محاکمه اعضا و رهبران داعش در چارچوب حقوق بین‌الملل کیفری خواهیم پرداخت.

۳. رسیدگی به جنایات داعش و اجرای عدالت کیفری؛ چالش‌ها و راهکارها

پس از شکل‌گیری و قدرت‌یابی داعش در خاورمیانه و موفقیت آن در انجام حملات تروریستی متعدد در نقاط مختلف جهان از جمله اروپا، اقدامات مختلفی توسط جامعه جهانی در واکنش به آن صورت گرفته است؛ از اقدامات بشردوستانه برای کمک به قربانیان گرفته تا اجرای عملیات نظامی گسترده علیه داعش در عراق و سوریه. با این حال تا به امروز هیچ‌گونه اقدام حقوقی خاصی به منظور رسیدگی به جرائم داعش و اجرای عدالت نسبت به مرتکبین آن اتخاذ نشده است. تعقیب، محاکمه و مجازات اعضا و رهبران داعش تحت قواعد حقوق بین‌الملل با چالش‌ها و موانع عدیده‌ای همراه است. بدیهی است که ساده‌ترین راه در زمینه تعقیب و محاکمه جنایتکاران داعش، اقدام توسط نهادهای قضایی کشور محل وقوع جنایات در اجرای اصل صلاحیت سرزمینی است. مع‌هذا محاکم داخلی دولت‌های مزبور (از جمله سوریه و عراق) به دلیل وضعیت نابسامان سیاسی، بی‌ثباتی داخلی و تضعیف نهادهای حاکمیتی، در حال حاضر از اقتدار و ابزار لازم برای تعقیب جرائم داعش برخوردار نمی‌باشند. در این شرایط، نقش‌آفرینی محاکم و نهادهای بین‌المللی موجود و حتی در صورت لزوم ایجاد سازوکارهای بین‌المللی جدید به منظور نیل به عدالت واقعی امری حیاتی و بسیار تعیین‌کننده است که ذیلاً به بررسی و تشریح آنها خواهیم پرداخت.

۳-۱. دیوان بین‌المللی کیفری^۱

بدون شک مهم‌ترین نهاد بین‌المللی که در زمینه تعقیب و محاکمه تروریست‌های داعش می‌تواند ایفاگر نقشی اساسی و بی‌بدیل باشد دیوان بین‌المللی کیفری است که با هدف پایان بخشیدن به مصونیت‌ها و مبارزه با بی‌کیفری در رابطه با جرائم بین‌المللی ایجاد شده است. پر واضح است که جنایات ارتکاب یافته توسط داعش تحت شمول جرائم موضوع ماده ۵ اساسنامه رم قرار می‌گیرند،^۲ اما اعمال صلاحیت دیوان برای تعقیب

1. International Criminal Court (ICC).

۲. ماده ۵ اساسنامه رم مقرر می‌دارد: «صلاحیت دیوان منحصر است به مهمترین جرائمی که مایه نگرانی جامعه

جرائم مزبور با چالش‌هایی مواجه است. طبق ماده ۱۲ اساسنامه رم، دیوان نسبت به جرائم ارتكابی در قلمروی کشورهای عضو دیوان (صلاحیت سرزمینی) یا کشورهای غیر عضو که از طریق صدور اعلامیه صلاحیت دیوان را پذیرفته اند (صلاحیت موردی)^۱ و یا جرائم ارتكابی توسط اتباع این کشورها (صلاحیت شخصی) دارای صلاحیت است. در خصوص جنایات ارتكابی داعش در قلمروی اصلی فعالیت و حکمرانی‌اش، از آنجا که دولت‌های سوریه و عراق بر خلاف دولت نیجریه (محل فعالیت بوکوحرام به عنوان یکی از گروه‌های تروریستی وابسته به داعش) به عضویت دیوان در نیامده‌اند و همچنین صلاحیت موردی دیوان را نیز مورد پذیرش قرار نداده‌اند، بنابراین دیوان بین‌المللی کیفری نسبت به جرائم و اقدامات غیر انسانی داعش در کشورهای سوریه و عراق از صلاحیت رسیدگی برخوردار نیست.^۲

در رابطه با مواردی که مرتکب تبعه یکی از دولت‌های عضو دیوان باشد، اعمال صلاحیت شخصی توسط دیوان می‌تواند منتج به تعقیب بین‌المللی پیکارجویان خارجی داعش گردد؛ یعنی افرادی که به عنوان اتباع کشورهای عضو دیوان به داعش پیوسته و مرتکب جرائم بین‌المللی در قلمروی کشوری شده‌اند که عضو دیوان نیست. بر اساس اطلاعات موجود، هزاران پیکارجوی خارجی (از جمله ۴۰۰۰ نفر اروپایی) عضو داعش هستند و تعداد قابل توجهی از آنها اتباع کشورهایهایی هستند که اساسنامه دیوان را پذیرفته‌اند مانند تونس، اردن، فرانسه، بریتانیا، آلمان، بلژیک، هلند، اتریش و استرالیا (Cohen, 2012, p. 252). اما در اینجا نکته مهمی که باید مورد توجه قرار داد اصل تکمیلی بودن صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری است. دیوان در رسیدگی به جرائم بین‌المللی مکمل محاکم کیفری ملی و نه جایگزین آنها خواهد بود. اساسنامه رم

بین‌المللی است. دیوان به موجب این اساسنامه نسبت به جرائم ذیل صلاحیت رسیدگی دارد: الف) نسل‌کشی؛

ب) جنایات علیه بشریت؛ ج) جنایات جنگی؛ و د) تجاوز.»

۱. به موجب صلاحیت موردی، کشوری که عضو دیوان بین‌المللی کیفری نیست می‌تواند با صدور اعلامیه‌ای صلاحیت دیوان را در یک مورد خاص حتی با ذکر دوره زمانی معین بپذیرد. از تاریخ شروع به کار دیوان در سال ۲۰۰۲ تا به امروز سه مورد اعلامیه پذیرش صلاحیت موردی دیوان (ساحل عاج، فلسطین و اوکراین) در دبیرخانه دیوان ثبت شده است (Tsilonis, 2019, p. 70).

۲. در همین رابطه دادستان دیوان اظهار داشته: «علی‌رغم اینکه داعش مرتکب جنایات وحشیانه غیر قابل وصف شده است اما به دلیل اینکه سوریه و عراق اقدام به تصویب اساسنامه رم ننموده‌اند دیوان صلاحیت رسیدگی به جرائم ارتكاب یافته در خاک این دو کشور را ندارد.» (Bensouda, 2015, p. 2).

صلاحیت اصلی محاکم ملی در رسیدگی به جرائم موضوع صلاحیت دیوان را به رسمیت شناخته است. دیوان تنها در صورتی به رسیدگی خواهد پرداخت که محاکم ملی صلاحیت‌دار «نخواهند یا نتوانند» به جرائم مذکور رسیدگی نمایند. این همان چیزی است که از آن به نام اصل صلاحیت تکمیلی یاد شده است (شریعت باقری، ۱۳۷۸، ص ۸۱). در واقع حاکمیت دولت‌ها و صلاحیت محاکم داخلی بر صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری ارجحیت داشته و لذا اعمال صلاحیت دیوان نسبت به جرائم مزبور به عنوان راهکار ثانویه مورد پذیرش قرار گرفته است.

بنابراین، دیوان بین‌المللی کیفری می‌تواند نسبت به جرائم آن دسته از اعضای داعش که از اتباع دولت‌های عضو دیوان هستند اعمال صلاحیت کند حتی اگر صلاحیت سرزمینی در این خصوص وجود نداشته باشد؛ امری که توسط دادستان دیوان نیز مورد تأیید قرار گرفته است. در بیانیه‌ای که فاتو بنسودا^۱ دادستان دیوان در ۸ آوریل ۲۰۱۵ صادر نمود، علاوه بر اشاره به مسئله فوق اظهار داشت که دفتر دادستانی درخواست‌های صورت گرفته در رابطه با جرائم داعش و به خصوص اعمال صلاحیت شخصی نسبت به اعضای اصلی آن را ملحوظ داشته است. مع‌هذا وی با بیان اینکه رهبران داعش (که بیشترین مسئولیت جنایات داعش متوجه آنها است) اکثراً اتباع کشورهای سوریه و عراق هستند و خط مشی دادستانی نیز تمرکز بر روی افرادی است که دارای بیشترین مسئولیت کیفری می‌باشند، نتیجه‌گیری نموده که مبنای صلاحیتی برای آغاز روند بررسی مقدماتی در این مرحله بسیار محدود است (Bensouda, 2015, p. 3). بنابراین انجام تحقیقات صرفاً با تمرکز بر روی پیکارجویان خارجی و صلاحیت شخصی دیوان نیز نمی‌تواند تضمینی باشد بر این امر که مسئولان اصلی جنایات ارتكابی داعش به چنگال عدالت سپرده شوند.

در نهایت، دیگر راهکاری که طبق اساسنامه رم برای اعمال صلاحیت دیوان وجود دارد ارجاع وضعیت به دیوان از طریق شورای امنیت به موجب فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد است.^۲ این امر مسبوق به سابقه است. شورای امنیت در سال ۲۰۰۵ وضعیت سودان (قضیه دارفور)^۳ و در سال ۲۰۱۱ وضعیت لیبی (پرونده معمر قذافی)^۴ را

1. Fatou Bensouda.

۲. بند ۲ ماده ۱۳ اساسنامه رم.

۳. قطعنامه شماره ۱۵۹۳.

۴. قطعنامه شماره ۱۹۷۰.

به دیوان بین‌المللی کیفری ارجاع نمود که همچنان در دستور کار دیوان قرار داشته و احکام مهمی نیز در باب برخی از متهمان آن صادر شده است.^۱ لازم به ذکر است که هیچ یک از دو کشور سودان و لیبی عضو دیوان نمی‌باشند.

با توجه به دو تجربه موفقیت‌آمیز در ارجاع وضعیت سودان و لیبی به دیوان بین‌المللی کیفری، علی‌الاصول شورای امنیت باید در خصوص وضعیت عراق و سوریه نیز اقدام مشابهی را انجام دهد. با این حال علی‌رغم اینکه شورای امنیت به صراحت اقدامات داعش را بارها محکوم نموده^۲ اما بنا به دلایل عمدتاً سیاسی تحقق چنین ارجاعی بعید به نظر می‌رسد. در سال ۲۰۱۴ پیش‌نویس قطعنامه ارجاع وضعیت سوریه به دیوان بین‌المللی کیفری در شورای امنیت مورد بحث و بررسی قرار گرفت. این پیش‌نویس که توسط فرانسه تهیه شده و حمایت بیش از ۶۰ کشور را به همراه داشت عمدتاً علیه حکومت بشار اسد و نیروهای دولتی سوریه سازماندهی شده بود، هرچند که جرائم ارتکاب یافته توسط همه طرف‌های مخاصمه را در بر می‌گرفت (Ochab and Zorzi, 2016, p. 10). اما پیش‌نویس قطعنامه به دلیل وتوی روسیه و چین به تصویب شورای امنیت نرسید^۳ و بالتبع دیوان صلاحیت رسیدگی به جرائم ارتکاب یافته در جنگ داخلی

۱. به عنوان مثال در ۴ فوریه ۲۰۰۹ قضاوت دیوان، عمر البشیر رئیس جمهوری سودان را به ارتکاب جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت محکوم و حکم بازداشت وی را صادر نمودند. برای مطالعه بیشتر در این مورد ر.ک: <https://www.icc-cpi.int/darfur/albashir/pages/alleged-crimes.aspx>.

همچنین در ۲۷ ژوئن ۲۰۱۱ دیوان بین‌المللی کیفری سه حکم بازداشت علیه معمر قذافی رهبر لیبی، سیف‌الاسلام قذافی و عبدالله السنوسی (رئیس سازمان اطلاعات لیبی) به اتهام ارتکاب جنایت علیه بشریت صادر نمود. برای مطالعه بیشتر در این مورد ر.ک:

https://www.icc-cpi.int/CourtRecords/CR2011_08351.PDF.

<https://www.icc-cpi.int/CaseInformationSheets/GaddafiEng.pdf>.

۲. شورای امنیت با صدور قطعنامه‌های ۲۱۶۱، ۲۱۷۰، ۲۱۷۸ (۲۰۱۴) و به‌ویژه قطعنامه ۲۱۹۹ مورخ ۱۵ فوریه ۲۰۱۵ اقدامات تروریستی و غیر انسانی داعش و جبهه النصره را به شدت محکوم کرده و جامعه جهانی را به مقابله همه‌جانبه با این گروه‌ها فرا خوانده است (زمانی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۸). همچنین شورای امنیت با صدور قطعنامه ۲۲۴۹ در ۲۰ نوامبر ۲۰۱۵ حملات تروریستی داعش در کشورهای تونس، ترکیه، مصر، لبنان و پاریس را به شدت محکوم نمود. برای مطالعه بیشتر ر.ک:

http://www.securitycouncilreport.org/atf/cf/%7B65BF96FF9B-6D27-4E9C-8CD3-CF6E4FF96FF9%7D/s_res_2249.pdf.

۳. روسیه و چین بر این عقیده بودند که این‌گونه اقدامات مانعی بر سر راه حل بحران سوریه به روش سیاسی است و دولت سوریه می‌تواند بدون نیاز به دخالت خارجی مسائل به وجود آمده را حل و فصل نماید. قابل دسترسی در:

<https://www.theguardian.com/world/2014/may/22/russia-china-veto-un-draft-resolution-refer-syria-international-criminal-court>.

سوریه (از جمله جنایات داعش) را به دست نیاورد. فراگیر بودن صلاحیت دیوان نسبت به همه طرف‌های درگیر در مخاصمات عراق و سوریه می‌تواند مانع از تصویب هرگونه قطعنامه ارجاع گردد، چه اینکه همواره امکان وتوی آن از طرف هر یک از اعضای دائم شورای امنیت وجود دارد.

۲-۳. دادگاه ویژه (Ad Hoc) برای عراق و سوریه

با عنایت به موانع موجود بر سر راه اعمال صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری، یک راهکار جایگزین که می‌تواند اجرای عدالت نسبت به جنایتکاران داعش و مبارزه با بی‌کیفری آنها را تحقق بخشد ایجاد یک دادگاه بین‌المللی کیفری اختصاصی است. شکل‌گیری چنین دادگاهی برای عراق و سوریه به دو طریق امکان‌پذیر است:

حالت اول آن است که همانند دادگاه‌های ویژه سیرالئون^۱ و لبنان^۲ بنا به درخواست هر یک از دولتین عراق و سوریه از سازمان ملل متحد و انعقاد موافقت‌نامه فی‌مابین شاهد تشکیل چنین محکمه‌ای باشیم. تاکنون هیچ اقدامی در این زمینه از طرف دولت عراق و سوریه صورت نگرفته است.

حالت دوم، ایجاد دادگاه اختصاصی به موجب قطعنامه شورای امنیت ذیل فصل هفتم منشور سازمان ملل است؛ یعنی همان روندی که در تأسیس دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق و دیوان بین‌المللی کیفری برای رواندا به وقوع پیوست. در خصوص یوگسلاوی سابق و رواندا شورای امنیت بدو اقدام به تشکیل کمیسیون کارشناسان^۳ نمود تا از طریق شواهد موجود، بازدیدهای میدانی و جمع‌آوری اطلاعات به بررسی موارد نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه و جرائم ارتکاب یافته پرداخته و نظر

۱. دادگاه ویژه سیرالئون (Special Court for Sierra Leone) به درخواست دولت سیرالئون و طبق موافقت‌نامه منعقد شده میان این دولت و سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۲ تأسیس و در محل وقوع جنایات مستقر شده است. این دادگاه ویژه دادگاهی دوگانه و ترکیبی از دادگاه‌های ملی و بین‌المللی است که اساسنامه‌اش شامل مقررات حقوق بین‌الملل کیفری، حقوق بشردوستانه بین‌المللی و حقوق داخلی سیرالئون بوده و از نظر ساختاری دربردارنده ترکیبی از کارکنان ملی و بین‌المللی است (رنجیریان و خیابانی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۳).

۲. همانند دادگاه ویژه سیرالئون، دادگاه ویژه لبنان (Special Tribunal for Lebanon) نیز بنا به درخواست دولت لبنان از شورای امنیت و انعقاد موافقت‌نامه‌ای بین این دولت و سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۷ تأسیس گردید و مقر آن لاهه هلند است. این دادگاه صلاحیت رسیدگی به جرم تروریسم و همچنین توطئه‌چینی جنگ داخلی و درگیری‌های فرقه‌ای را بر اساس قوانین جزائی لبنان با حضور قضات لبنانی و بین‌المللی بر عهده دارد. دادگاه ویژه لبنان با رسیدگی به جرم تروریسم دامنه مبارزه با جنایات بین‌المللی را گسترش داده است (بیگزاده، ۱۳۸۸، ص ۱۴۵).

3. Commission of Experts.

خود را به شورای امنیت ارائه نماید. پس از اظهار نظر نهایی کمیسیون مزبور و گزارش‌های تکان‌دهنده از جنایات فجیع صورت گرفته، شورای امنیت با تصویب قطعنامه‌های شماره ۸۲۷ (۱۹۹۳) و ۹۵۵ (۱۹۹۴) رأساً اقدام به تأسیس دو دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق و رواندا نمود.^۱ علی‌الاصول در رابطه با جرائم ارتكابی داعش در سوریه و عراق نیز اتخاذ رویکردی مشابه از جانب شورای امنیت مورد انتظار است. مع‌هذا در شرایط سیاسی فعلی، عملی شدن این فرض به همان اندازه ارجاع وضعیت عراق و سوریه به دیوان بین‌المللی کیفری دور از ذهن به نظر می‌رسد، چه اینکه این امر نیز مستلزم اتفاق نظر اعضای دائم شورای امنیت (یا دست کم عدم مخالفت آنها) است. منصرف از مذاکرات طولانی و فرآیند زمان‌بری که برای اتخاذ چنین تصمیمی مورد نیاز است، مسئله اساسنامه دیوان و صلاحیت احتمالی آن نسبت به جرائم ارتكابی همه طرف‌های درگیر در مخاصمات عراق و سوریه (نیروهای دولتی و حامیان آنها و نیروهای ائتلاف به رهبری ایالات متحده آمریکا) و نه صرفاً داعش، می‌تواند مانع از هرگونه اقدام مؤثر شورای امنیت در ایجاد یک دادگاه اختصاصی دیگر گردد.

۳-۳. دادگاه ویژه مبارزه با تروریسم

تروریسم معضلی دیرپا است که از زمان‌های دور به اشکال مختلف ظهور و بروز داشته است اما از اواخر قرن بیستم و پس از شکل‌گیری گروه‌های افراط‌گرای سلفی وهابی نظیر القاعده، طالبان، بوکوحرام و به‌خصوص داعش شدت عملی بی‌سابقه یافته و همچنان در حال گسترش است به نحوی که امروز جامعه جهانی بیش از هر زمان دیگری مبتلا به طاعون تروریسم است. عدم کارایی نهادهای بین‌المللی و ضعف دولت‌ها در مبارزه جدی با پدیده تروریسم، عدم اجرای عدالت و بی‌کیفرمانی مرتکبین این اقدامات را موجب شده است. در سطح بین‌المللی هیچ دادگاهی صلاحیت رسیدگی به جرم تروریسم را ندارد.^۲ در چنین وضعیتی ضرورت ایجاد یک سازوکار بین‌المللی جدید تحت عنوان دادگاه ویژه مبارزه با تروریسم به وضوح احساس می‌شود. چنین دادگاهی می‌تواند از طریق قطعنامه

۱. برای مطالعه تفصیلی در این خصوص ر.ک: میرمحمدصادقی، ۱۳۹۰، صص ۱۸۷-۷۹.

۲. همان‌طور که پیش از این اشاره شد، دادگاه ویژه لبنان بر خلاف سایر محاکم بین‌المللی صلاحیت رسیدگی به جرم تروریسم را دارد لکن به‌جز نحوه شکل‌گیری این دادگاه که جنبه بین‌المللی دارد، در واقع یک دادگاه مختلط با صلاحیت داخلی است که صلاحیت آن محدود به جرائم ارتكاب یافته در خاک لبنان می‌باشد و دیگر اقدامات تروریستی در نقاط مختلف جهان تحت صلاحیت این دادگاه قرار نمی‌گیرد.

شورای امنیت و به عنوان یک نهاد وابسته به آن (مانند محکمه نورنبرگ و دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق) و یا بر اساس یک معاهده بین‌المللی (مانند دیوان بین‌المللی کیفری) ایجاد گردد؛ هر چند که در هر دو حالت تحدید صلاحیت این دادگاه توسط برخی از دولت‌های ذی‌نفع، ایجاد و کارایی آن را تهدید می‌کند.

یکی از وظایف مهمی که پیش از هر چیز بر عهده اساسنامه این دادگاه است تعریف دقیق تروریسم بین‌المللی و احصای جرائمی است که در صلاحیت آن قرار می‌گیرند؛ امری که به گواه ناکامی طولانی مدت جامعه جهانی بسیار دشوار و پیچیده است. هنوز در ادبیات سازمان ملل تعریف جامعی از واژه تروریسم و مصادیق آن که مورد اتفاق نظر قریب به اتفاق کشورهای عضو سازمان ملل متحد باشد به عمل نیامده است و دولت‌های عضو نتوانسته‌اند در تعریف تروریسم و فعالیت‌های تروریستی و تروریسم بین‌المللی به اجماع برسند (بزرگمهری، ۱۳۸۷، ص ۲۷).^۱

در رابطه با دادگاه ویژه تروریسم نخستین اقدام صورت گرفته پیشنهاد مشترک اسپانیا و رومانی مبنی بر ایجاد یک دیوان بین‌المللی مبارزه با تروریسم^۲ است. بوگدان آرسکو^۳ و خوزه مانوئل گارسیا مارگالو^۴ وزیر امور خارجه رومانی و اسپانیا این پیشنهاد را در حاشیه اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل در اکتبر ۲۰۱۵ ارائه نمودند. بر اساس این پیشنهاد، دیوان مزبور به صلاحیت کیفری هر یک از دولت‌ها یا دیوان بین‌المللی کیفری خدشه‌ای وارد نمی‌کند؛ زیرا صلاحیت این دیوان محدود به مواردی است که دولت مربوطه یا دیوان بین‌المللی کیفری «مایل یا قادر» به تعقیب مظنونین نباشد. همچنین طبق این پیشنهاد، دادستان‌ها و قضات دیوان مبارزه با تروریسم نماینده مناطق جغرافیایی و نظام‌های حقوقی عمده جهان خواهند بود و نیز عدالت جنسیتی در آن لحاظ خواهد شد (Aurescu, 2015, p. 2).^۵

۱. قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت سازمان ملل که متعاقب حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و در جهت مبارزه با تروریسم بین‌المللی صادر شد نیز تعریف دقیقی از تروریسم ارائه ننموده است. در صدر این قطعنامه تروریسم صرفاً به عنوان اقدامات تهدیدکننده صلح و امنیت بین‌المللی توصیف شده است (فیرحی و ظهیری، ۱۳۸۷، ص ۱۴۸).

2. International Counter-Terrorism Court (ICTC).

3. Bogdan Aurescu.

4. José Manuel García-Margallo.

۵. از پیشنهاد مزبور حمایت‌های قابل توجهی صورت گرفته است که از جمله می‌توان به حمایت‌های ژان پل لایورد مدیریت اجرایی کمیته ضد تروریسم سازمان ملل و جهانگیرخان رئیس دفتر نیروی ویژه اجرای عملیات

ایجاد یک دادگاه بین‌المللی مبارزه با تروریسم محاسن بالقوه بسیاری خواهد داشت. اولاً همکاری‌های بین‌المللی و اتحاد علیه تروریسم را افزایش می‌دهد. ایجاد چنین محکمه‌ای در راستای اقدامات تصریح شده در قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت سازمان ملل صورت می‌گیرد و اتحاد جامعه بین‌المللی در تصمیم خود برای به دست عدالت سپردن تروریست‌ها را به نمایش می‌گذارد. همکاری دولت‌ها همچنین به طرق دیگر از جمله تبادل بیشتر اطلاعات و شواهد مربوطه میان خود، در راستای همکاری با دادگاه ویژه مبارزه با تروریسم گسترش می‌یابد. ثانیاً تأسیس این دادگاه می‌تواند به رفع ابهامات و نواقص موجود در حقوق بین‌الملل مبارزه با تروریسم کمک نماید. اساسنامه مورد نیاز برای چنین دادگاهی احتمالاً اجماع گسترده‌تری در خصوص تعریف تروریسم و راه‌های تعقیب مجرمین^۱ فراهم می‌کند. همچنین آیین‌های بین‌المللی استرداد مجرمین نیز به موجب این اساسنامه تسهیل و کارآمدتر خواهد شد. ثالثاً دادگاه ویژه مبارزه با تروریسم می‌تواند ظرفیت قضایی داخلی دولت‌ها را افزایش دهد به این معنا که صلاحیت دیوان مزبور فشار مضاعفی بر دولت‌ها وارد می‌سازد که به اجرای قوانین کیفری داخلی و ارتقای ظرفیت نظام‌های قضایی خود (برای تعقیب مرتکبین جرائم تروریستی) مبادرت نمایند و یا اینکه رسیدگی به این موارد را به دادگاه مزبور احاله دهند.

۴-۳. تعقیب داخلی؛ اصل صلاحیت شخصی و اصل صلاحیت جهانی

با وجود موانع و پیچیدگی‌های مربوط به تعقیب بین‌المللی جرائم داعش که پیش از این ذکر شد راه حل دیگر، اعمال صلاحیت محاکم داخلی است. تعقیب داخلی تروریست‌های داعش به دو طریق امکان‌پذیر است: نخست بر اساس اصل صلاحیت شخصی یا صلاحیت مبتنی بر تابعیت که خود به دو نوع تابعیت فعال^۲ و

۱. ضد تروریسم ملل متحد اشاره نمود (Edwards, 2017, p. 9).

۱. به عنوان مثال اعضای سازمان‌های تروریستی مانند داعش و رهبران آنها را در هر نقطه از جهان صرف نظر از کشور محل وقوع جرم و تابعیت مجرمین بتوان مورد تعقیب قرار داد.

۲. اصل تابعیت فعال (The Active Personality Principle) یا صلاحیت مبتنی بر تابعیت مرتکب جرم عبارت است از گسترش صلاحیت تقنینی و قضایی یک کشور به جرائمی که توسط اتباع آن در خارج از قلمروی حاکمیت آن کشور ارتکاب یابد (پوربافرانی، ۱۳۸۰، ص ۸۳). مطابق این اصل یک دولت می‌تواند تبعه خود را به دلیل ارتکاب جرم در هر نقطه از دنیا، مورد محاکمه قرار دهد لکن مشروط بر آنکه قاعده مجرمیت متقابل و منع محاکمه و مجازات مضاعف را رعایت نماید.

تابعیت منفعل^۱ تقسیم می‌شود. در واقع ممکن است دولتی به استناد اینکه مجرم یا مجنی‌علیه تبعه آن کشور می‌باشد خود را صالح به رسیدگی به جرم بداند. بنابراین هر کشوری صلاحیت تعقیب و محاکمه آن دسته از اتباع خود را که به عنوان پیکارجوی خارجی به داعش پیوسته و مرتکب جرائمی در خارج از قلمروی حاکمیتی آن (سوریه و عراق) شده‌اند دارا می‌باشد.^۲ همچنین ممکن است کشوری در حمایت از اتباع خود که قربانی جنایات داعش شده‌اند خود را صالح به رسیدگی دانسته و مبادرت به تعقیب و محاکمه مجرمین نماید. البته این امر منوط به آن است که در قوانین داخلی کشور مربوطه اعمال اصل صلاحیت شخصی مورد پذیرش قرار گرفته باشد.^۳

روش دیگر برای تعقیب و محاکمه اعضای داعش در محاکم داخلی، اعمال اصل صلاحیت جهانی^۴ است. مطابق این اصل، دولت‌ها حق تعقیب برخی از مجرمین را در داخل قلمروی خود دارند بدون توجه به اینکه جرم در کجا رخ داده (صلاحیت سرزمینی) و مجرم یا قربانی تبعه چه کشوری هستند (صلاحیت شخصی). اصل صلاحیت جهانی یا همگانی بر این فرض مبتنی است که برخی از جرائم آنچنان در نظر همه افراد جامعه جهانی قبیح و قابل سرزنش محسوب می‌شوند که مرتکبین آنها را می‌توان دشمن همه ملل فرض نمود و بنابراین هر دولتی به نمایندگی از طرف جامعه جهانی حق تعقیب، محاکمه و مجازات چنین مجرمی را خواهد داشت. این اصل، استثنایی بر اصل درون مرزی بودن حقوق جزا می‌باشد (صادقی، ۱۳۹۰، ص ۳۰).

به موجب تعدادی از معاهدات و نیز عرف بین‌المللی، تعقیب و محاکمه برخی از

۱. اصل تابعیت منفعل (The Passive Personality Principle) یا صلاحیت مبتنی بر تابعیت قربانی جرم عبارت است از گسترش صلاحیت تقنینی و قضایی یک کشور به جرائمی که علیه اتباع آن در خارج از قلمرو حاکمیت آن کشور ارتکاب یابد (پوربافرانی، ۱۳۸۰، ص ۸۲). از میان پنج اصل راجع به صلاحیت (سرزمینی، شخصی فعال و منفعل، واقعی، جهانی) این اصل از همه بحث برانگیزتر است هرچند که در برخی از کنوانسیون‌های بین‌المللی مانند کنوانسیون راجع به گروگان‌گیری مورد تأیید قرار گرفته است (صادقی، ۱۳۹۰، ص ۲۷).

۲. به عنوان مثال برخی از کشورها مانند بریتانیا فرآیند قانونی تعقیب و مقابله با آن دسته از اتباعشان را که برای پیوستن به داعش از مرزهای این کشور خارج شده‌اند، آغاز نموده و محاکمه برخی از آنها در جریان است. (برای مطالعه بیشتر ر.ک: Tracking Britain's Jihadists, BBC News (May 21, 2015), <http://www.bbc.co.uk/news/uk-32026985>).

۳. به عنوان مثال در قانون مجازات اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۲ اصل تابعیت فعال در مواد ۶ و ۷ و اصل تابعیت منفعل در ماده ۸ مورد پذیرش قرار گرفته است.

4. The Universality Principle or Universal Jurisdiction.

جرائم بین‌المللی (مانند نسل‌کشی، جنات علیه بشریت، جنایت جنگی، گروگان‌گیری و هواپیماربایی) توسط محاکم داخلی همه دولت‌ها بر مبنای اصل صلاحیت جهانی پذیرفته شده است. بر این اساس همه دولت‌ها با استناد به این اصل، حق تحقیق و تعقیب در رابطه با جرائم ارتكابی داعش از جمله نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی را داشته و حتی موظف به انجام چنین اقداماتی هستند. به دیگر سخن اگر دولتی یکی از اعضای داعش را که تبعه خود نیست در قلمروی خود دستگیر نماید، بر اساس اصل صلاحیت جهانی می‌تواند وی را به خاطر جرائمی که در کشورهای دیگر (اعم از سوریه و عراق یا هر کشور دیگر) مرتکب شده، طبق قوانین داخلی خود محاکمه نماید.^۱

در پایان لازم به ذکر است که تعقیب و محاکمه جنایتکاران داعش در هر دو سطح بین‌المللی و داخلی علاوه بر موانعی که پیش از این بیان گردید، در عمل با نواقص و مشکلات دیگری نیز همراه است. اولاً محاکم کیفری بین‌المللی در مقایسه با محاکم داخلی غالباً ناکارآمد توصیف می‌شوند. دیوان بین‌المللی کیفری همواره با این انتقاد مواجه بوده است.^۲ ثانیاً دستگیری و بازداشت اعضای داعش که لازمه محاکمه و مجازات آنها است به‌خصوص در اثنای درگیری‌های سوریه و عراق امری بس دشوار است. مضاف بر اینکه فضای نابسامان و هرج و مرج ناشی از درگیری‌های مزبور، جمع‌آوری ادله و شواهد مورد نیاز برای محاکمه تروریست‌های داعش را دچار مشکل می‌سازد. ثالثاً آیین‌های استرداد موجود برای انتقال یک متهم به کشور دیگر یا به دیوان بین‌المللی کیفری از کارایی لازم برخوردار نیست. در حالی که برخی از معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی قاعده استرداد را مقرر نموده‌اند اما اغلب به دلیل فقدان رویه‌های حقوقی مورد نیاز آن، مبهم مانده است. عدم هماهنگی قوانین داخلی کشورها و نیز وجود برخی ملاحظات و اغراض سیاسی از دلایل اصلی اندک بودن استردادهای صورت گرفته توسط دولت‌ها است.^۳ با این حال با افزایش همکاری دولت‌ها و همراهی آنها با نهادهای

۱. ماده ۹ قانون مجازات اسلامی ایران اصل صلاحیت جهانی را مورد پذیرش قرار داده است.

۲. به عنوان مثال، پس از صدور حکم بازداشت عمرالبشیر رئیس جمهوری سودان در سال ۲۰۰۹ و درخواست دیوان از کشورهای آفریقایی برای بازداشت و استرداد وی، پس از گذشت ۸ سال و حتی با وجود سفر وی به آفریقای

جنوبی (کشور عضو دیوان) و موریتانی در سال ۲۰۱۵، حکم صادره دیوان هنوز به مرحله اجرا درنیامده است.

۳. در همین رابطه مدیریت اجرایی کمیته مبارزه با تروریسم سازمان ملل متحد در اوایل سال ۲۰۱۶ طی گزارشی اعلام نمود: «در مجموع، موارد استفاده از معاضدت حقوقی دوجانبه توسط دولت‌های عضو در امور کیفری

بین‌المللی ذی‌ربط می‌توان بر بسیاری از موانع و نقیصه‌های موجود در امر تعقیب و محاکمه اعضای داعش غلبه نمود.

۳-۵. سایر اقدامات

علاوه بر تعقیب و محاکمه جنایتکاران داعش که به طور قطع مناسب‌ترین واکنش به جرائم بین‌المللی این سازمان تروریستی محسوب می‌شود، اقدامات دیگری نیز به‌ویژه از طرف سازمان ملل می‌تواند به روند مبارزه با داعش و اجرای عدالت کمک کند. یکی از این اقدامات، تحریم‌های شورای امنیت طبق فصل هفتم منشور ملل متحد است. تحریم‌های اجرایی علیه تروریست‌ها با تصویب قطعنامه ۱۲۶۷ (۱۹۹۹) شورای امنیت آغاز شد که نخستین تحریم‌ها را علیه القاعده (از جمله ممنوعیت‌های مسافرتی و مسدود کردن اموال) اعمال نمود. شورای امنیت اخیراً نیز با تصویب قطعنامه ۲۲۵۳ در ۱۷ دسامبر ۲۰۱۵ افراد، گروه‌ها و نهادهای مرتبط با داعش را در کنار القاعده مورد تحریم قرار داد.^۱ همچنین سازمان ملل نیز می‌بایست برای کمک به کشورهای آسیب‌دیده از اقدامات خشونت‌بار داعش گام‌هایی بردارد که از جمله می‌توان به اقداماتی چون کمک به رفع مشکل ناامنی داخلی در خاورمیانه، تشدید اقدامات علیه تروریسم و مصونیت مجرمین، تضمین حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های فردی برای همه افراد مطابق با استانداردهای حقوق بین‌الملل، مبارزه با کلیه اشکال افراط‌گرایی و حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر از جمله اقلیت‌های مذهبی و کودکان و زنان که بیش از همه در معرض خطرات و صدمات ناشی از تروریسم داعش قرار دارند، اشاره نمود.

۱. علی‌الخصوص در قضایای تروریست‌های خارجی بسیار اندک به نظر می‌رسد. (Bellal, 2016, p. 21). این قطعنامه تحریم‌هایی چون مسدود کردن منابع مالی و دارایی‌ها، ممنوعیت‌های مسافرتی و ممنوعیت تجهیز، فروش یا ارسال مستقیم و غیر مستقیم سلاح و سایر ادوات نظامی به سازمان‌های تروریستی القاعده و داعش را در بر می‌گیرد. برای مطالعه بیشتر در خصوص قطعنامه‌های ۱۲۶۷ و ۲۲۵۳ به منابع زیر رجوع نمایید:

UN Security Council Resolution 1267, 15 October 1999, available at:
http://www.un.org/ga/search/view_doc.asp?symbol=S/RES/1267%281999%29.
 UN Security Council Resolution 2253, 17 December 2015, available at:
http://www.un.org/en/ga/search/view_doc.asp?symbol=S/RES/2253%282015%29.

نتیجه

بدون تردید داعش یکی از بزرگترین تهدیدات امنیتی چند دهه اخیر و لکه ننگی بر دامان بشریت است. هرچند که اخیراً در پی شکست‌های پیاپی مراکز اصلی قدرت خود از جمله رقه (پایتخت خلافت خودخوانده داعش) و موصل را از دست داده اما این غده سرطانی به سادگی از بین نمی‌رود. اقدامات خشونت‌آمیز و غیر انسانی این گروه در مناطق تحت فرمانروایی‌اش در سوریه، عراق و لیبی و همچنین حملات تروریستی آن در کشورهای مختلف جهان مصداق نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی است. شالوده دولت اسلامی عراق و شام بر جرم و جنایت و اقدامات تروریستی استوار است و به طور مداوم قواعد بنیادین حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی را نقض نموده است. مع‌هذا حقوق بین‌الملل آن‌طور که باید قادر به مقابله با آن نیست. در واقع حقوق بین‌الملل موجود، از قواعد لازم در رابطه با اقدامات داعش به عنوان یک بازیگر غیر دولتی برخوردار است اما وجود برخی موانع و مشکلات کارایی آنها را تقلیل داده است. یکی از موضوعات مهم در خصوص داعش رسیدگی کیفری به جنایت‌های گسترده این گروه تروریستی و تعقیب، محاکمه و مجازات اعضا و رهبران آن است. علی‌رغم اقدامات گسترده نظامی و غیر نظامی صورت گرفته برای مبارزه با داعش، تاکنون اجرای عدالت نسبت به این جنایتکاران رنگ عمل به خود نگرفته است. داعش، خلافت خودخوانده‌اش را در کشورهای سوریه و عراقی برپا نمود که متأثر از جنگ داخلی و بی‌ثباتی سیاسی در وضعیت نابسامانی قرار داشتند. بالطبع محاکم داخلی از قدرت لازم برای تعقیب و محاکمه تروریست‌های داعش برخوردار نبوده‌اند. شوربختانه جامعه بین‌المللی نیز نه تنها واکنش مناسبی نشان نداده بلکه حتی حمایت‌های پنهان و پنهان برخی از قدرت‌های غربی از داعش بر مشکلات موجود افزوده است. در این زمینه نقش نهادهای بین‌المللی به خصوص شورای امنیت سازمان ملل و دیوان بین‌المللی کیفری از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. در شرایطی که دیوان بین‌المللی کیفری به دلیل برخی مشکلات صلاحیتی رأساً نمی‌تواند به جرائم داعش رسیدگی کند، شورای امنیت می‌بایست فارغ از منافع سیاسی اعضای دائم خود با صدور قطعنامه‌ای قضیه را به دیوان ارجاع داده و یا مبادرت به تأسیس دادگاهی اختصاصی برای تحقق عدالت کیفری نماید.^۱

۱. حتی به فرض ارجاع وضعیت به دیوان بین‌المللی کیفری و یا ایجاد یک دادگاه بین‌المللی اختصاصی برای

با این حال غلبه ملاحظات سیاسی بر مطالبات حقوقی بیماری مزمونی است که همواره جامعه جهانی از آن رنج برده و تحقق بسیاری از آرمان‌های بشری را غیر ممکن ساخته است. آبرو می‌رود ای ابر خطاپوش ببار که به دیوان عمل نامه سیاه آمده‌ایم

رسیدگی به جرائم داعش، همراهی و همکاری همه دولت‌ها با دادگاه مربوطه بیش از هر چیز ضرورت می‌یابد، چه همان‌طور که در قضیه عمر البشیر ملاحظه شد، عدم همکاری برخی کشورهای آفریقایی با دیوان بین‌المللی کیفری منجر به آن شد که رأی صادره دیوان بلا اجرا بماند.

فهرست منابع

الف. فارسی

۱. بزرگمهری، مجید (۱۳۸۷). «تعریف سازمان ملل متحد از پدیده تروریسم، مروری بر اسناد مصوب و دیدگاه‌های صاحب‌نظران»، مجله مطالعات سیاسی، ۲: ۱۹-۳۲.
۲. بیگزاده، ابراهیم (۱۳۸۸). «دادگاه ویژه لبنان: گامی در راه گسترش مبارزه با بی‌کیفری»، مجله تحقیقات حقوقی، ۴۹: ۱۴۵-۱۸۶.
۳. پوربافرانی، حسن (۱۳۸۰). «اصل صلاحیت شخصی در حقوق جزای بین‌الملل و ایران»، مجله مجتمع آموزش عالی قم، ۳ (۹): ۸۱-۱۱۸.
۴. رنجبریان، امیرحسین؛ ملک‌الکتاب خیابانی، مهدیه (۱۳۸۹). «دادگاه ویژه سیرالئون: فرایند تشکیل، صلاحیت و مقابله با بی‌کیفرمانی»، مجله حقوقی بین‌المللی، ۴۳: ۱۶۷-۱۲۳.
۵. زمانی، سید قاسم (۱۳۹۴). «ماهیت حقوقی داعش در حقوق بین‌الملل: دولت یا بازیگر غیر دولتی؟»، فصلنامه دولت‌پژوهی، ۱ (۱): ۱۱۳-۱۳۱.
۶. شریعت‌باقری، محمدجواد (۱۳۷۸). «صلاحیت تکمیلی دیوان کیفری بین‌المللی»، مجله حقوقی دادگستری، ۲۹: ۷۹-۱۰۶.
۷. طلائعی، فرهاد؛ زرنگار، احسان (۱۳۹۶). «پویایی قواعد حقوق بین‌الملل و امکان‌سنجی استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین»، فصلنامه مجلس و راهبرد، ۲۴ (۹۱): ۳۵-۶۶.
۸. فیرحی، داود؛ ظهیری، صمد (۱۳۸۷). «تروریسم؛ تعریف، تاریخچه و رهیافت‌های موجود در تحلیل پدیده تروریسم»، فصلنامه سیاست، ۳۸ (۳): ۱۴۵-۱۶۶.
۹. محبی، محسن؛ شفیعی، ایمان (۱۳۹۷). «تحول مفهوم دفاع مشروع: حقوق بین‌الملل و بازیگران غیردولتی»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۲۱ (۸۱): ۸۹-۱۱۳.
۱۰. مک میلان، استیون (۱۳۹۷). «نقش بریتانیا در شکل‌گیری داعش»، ترجمه احسان زرنگار، فصلنامه سیاحت غرب، ۱۵۶: ۳۲-۳۸.
۱۱. میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۰). حقوق جزای بین‌الملل، تهران: نشر میزان.

ب. انگلیسی

12. Aurescu, Bogdan (2015). "Does the World Need an International Court against Terrorism?", World Economic Forum, available at: <https://www.weforum.org/agenda/2015/11/does-the-world-need-an-intern>

- ational-court-against-terrorism.
13. Bellal, Annyssa (2015). Beyond the Pale? Engaging the Islamic State on International Humanitarian Law, **Yearbook of International Humanitarian Law**, 18: 123-152.
 14. Bensouda, Fatou (2015). Statement of the Prosecutor of the International Criminal Court, on the Alleged Crimes Committed by ISIS, International Criminal Court.
 15. Cohen, Aviv (2013). Prosecuting Terrorists at the International Criminal Court: Reevaluating an Unused Legal Tool to Combat Terrorism, **Michigan State International Law Review**, 20 (2): 210-257.
 16. Edwards, Holli (2017). **Does International Law Apply to the Islamic State? Towards a More Comprehensive Legal Response to International Terrorism**, Geneva Centre for Security Policy (GCSP).
 17. Gucturk, Yavuz (2015). War Crimes and Crimes Against Humanity in Syria, **Insight Turkey**, 17 (1): 27-40.
 18. International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia (ICTY) (2006). The Prosecutor v. Stanislav Galić, Appeals Chamber Judgement, Case No. IT-98-29-A.
 19. Koutroulis, Vaios (2016). The Fight Against the Islamic State and Jus in Bello, **Leiden Journal of International Law**, 29 (3): 827-852.
 20. Melzer, Nils (2009). **Interpretive Guidance on the Notion of Direct Participation in Hostilities under International Humanitarian Law**, ICRC Press, Geneva.
 21. Ochab, Ewelina and Kelsey Zorzi (2016). Effects of Terrorism on Enjoyment of Human Rights: ISIS/Daesh and Boko Haram, available at: <http://www.ohchr.org/Documents/Issues/RuleOfLaw/NegativeEffectsTerrorism/ADFpdf>.
 22. Reuter, Christoph, "The Terror Strategist: Secret Files Reveal the Structure of Islamic State", Spiegel Online International, 8 April 2015, available at: <http://www.spiegel.de/international/world/islamic-state-files-show-structure-of-islamist-terror-group-a-1029274.html>.
 23. Scharf, Michael P. (2016). How the War Against ISIS Changed International Law, **Journal of International Law**, 48: 1-54.
 24. Special Tribunal for Lebanon (STL) (2011). The Prosecutor v. Ayyash et al., Appeals Chamber, Interlocutory Decision on the Applicable Law: Terrorism, Conspiracy, Homicide, Perpetration, Cumulative Charging, Case No. STL-11-01/I.
 25. The Statute of the International Criminal Court (Rome Statute), (1998).
 26. Tsilonis, Victor (2019). **The Jurisdiction of the International Criminal Court**, Springer Publishing, New York.
 27. UN Human Rights Council, **Report of the Independent International Commission of Inquiry on the Syrian Arab Republic, "Rule of Terror: Living under ISIS in Syria"**, 14 November 2014.
 28. UN Human Rights Council, **Report of the Independent International**

- Commission of Inquiry on the Syrian Arab Republic, “They Came to Destroy: ISIS Crimes against the Yazidis”, 15 June 2016.**
29. UN Security Council Resolution 1267, 15 October 1999.
 30. UN Security Council Resolution 1373, 28 September 2001.
 31. UN Security Council Resolution 2161, 17 June 2014.
 32. UN Security Council Resolution 2170, 15 August 2014.
 33. UN Security Council Resolution 2178, 24 September 2014.
 34. UN Security Council Resolution 2199, 12 February 2015.
 35. UN Security Council Resolution 2249, 20 November 2015.
 36. UN Security Council Resolution 2253, 17 December 2015.
 37. UN Security Council, **Report of the Secretary-General on the threat posed by ISIL (Da’esh) to international peace and security**, 31 May 2016.

**Analysis of the Applicability of International Law to Acts of
ISIL(Da'esh)**

Ehsan Zarnegar*

Received: 02/08/2019

Accepted: 02/12/2019

Abstract

In recent years, the international community has witnessed the emergence of a terrorist group called ISIL (Da'esh) or "Islamic State in Iraq and the Levant" and its terrorism in various parts of the world especially the Middle East, which has severely endangered international peace and security through their violent acts. The terrorist acts and international crimes of ISIL prompt an inquiry into applicability of international law to such non-state actors. Also despite the various measures taken to combat ISIL, the prosecution, trial and punishment of members of this terrorist group have not been fulfilled yet. This article by examining the main areas of international law and some of the legal and political obstacles concludes that the existing international law does not adequately address the activities of ISIL, and the failure of the international community to execution of criminal justice to ISIL members and leaders reveals that a new international mechanism and more cooperation between states are needed.

Key words: *ISIL (Da'esh), International Law, Terrorism, International Crimes, Prosecute and Trial.*

* MA in International Law of Shiraz University.
ehsanzar88@yahoo.com